

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

گم شده

ساغر شکست و ، زاهد غدار گم شده
تسبیح ز دست ، صوفی مکار گم شده
عابد ، ز مسجد و ، ز کلیسا و ، هم کنشت
پیر مغان ، ز خانه خمار گم شده
یوسف و شان ، فتاده به زندان امتحان
حُسن و متاع و ، رونق بازار گم شده
زاغان به جای بلبل و ، بلبل به جای زاغ
طاووس و قمری ، هر دو ز انظار گم شده
ای کبک خوش خرام ، خرامیدنت چه شد
کل مرغ و بوم ، دیدی و ، رفتار گم شده
از مکر چند ستمگر خودخواه و جاه طلب
باغ و بهار و ، دلبر و دلدار گم شده
بارید بسکه مرمی و راکت ز آسمان
بید و چنار و ، سرو و سپیدار گم شده
معیوب جنگ و زخمی جنگ پر شده وطن
درمان جدا و ، نرس و پرستار گم شده

هر خانه پر مريض و ندارند چاره ای
 داروی درد و ، چاره بیمار گم شده
 آیا رسد زمانی که طفلان بی پدر
 گویند که شکر ، خیل تفنگدار گم شده
 از کشته پشته گشته و صحرای محشر است
 بی سر همه به دار ، چو سردار گم شده
 طالب برفت و ، عاید میهن به باد رفت
 تریاک و چرس و مُرفین و کوکنار گم شده
 گیسوی پرشکن که پریشان ، هرطرف
 مشک خُتن ، ز قطی عطار گم شده
 از یک نگاه گوشه چشمان پرخمار
 رند و خراب و ساقی چوتار گم شده
 حاجی به کعبه رفت ، که فرضی ادا کند
 برگشت پابرهنه ، که پیزار گم شده
 باری دگر برفت ، که جبران آن شود
 بی ریش ، ریشی مانده و دستار گم شده
 شیخ و چلی و قاضی و ملا و محتسب
 دین ، در میان اینهمه دیندار گم شده
 اشعار ما ، اگر شده لُج ، عیب ما مکن
 پیراهنی که داشت ، ز اسرار گم شده
 «نعمت» فتاده بیکس و بی کوی، گوشه ای
 یار و رفیق و خویش و وطندار گم شدنه
